

حقوق اداری صدر اسلام

همینکه سلسله ساسانیان بسال ۶۳۲ میلادی منقرض گردید^۱، دفاع حکمرانان و عمال ایالات و ولایات ایران از سرزمین کهنسال خود سودی نبخشید، شهرهای ایران یکی بعد از دیگری بتصرف و تحت تسلط سپاه اسلام درآمد و دوره جدیدی در تاریخ ایران آغاز شد، فتح اعراب در جنگ نهاوند (فتح الفتوح) در ۲۱ هجری به سرداری نعمان آخرین نبرد ایرانیان با اعراب محسوب نمی‌شود، زیرا پس از این جنگ و جنگهای دیگر^۲ مدتهای زیاد در غالب شهرها و ولایات ایران بوسیله مردم شجاع و وطن پرست و علاقمند به حفظ میراث فرهنگی آباء و اجدادی خود همانند مردم دیلم و طبرستان (مازندران) و

۱- در سال ۶۳۲ میلادی اعیان و بزرگان کشور یزدگرد سوم، پسرشهریار نوه خسرو پرویز را به پادشاهی انتخاب کردند و در روزگار این پادشاه، سلسله ساسانی منقرض گردید. رجوع کنید به تاریخ مفصل ایران ص ۵۸ تألیف دکتر عبدالله رازی چاپ دوم - تهران ۱۳۳۵، تاریخ ادبیات ایران جلد اول صفحه ۹ تألیف دکتر ذبیح‌الله صفا - چاپ ششم - انتشارات ابن سینا تهران ۱۳۴۷، تاریخ فرهنگ ایران دکتر عیسی صدیق - صفحه ۴۶ انتشارات دانشگاه تهران شماره ۵۶۷.

۲- جنگ قادسیه ۱۴ هجری به سرداری سعد بن ابی وقاص و رستم فرخزاد و جولای ۱۶ هجری به سرداری هاشم بن عتب و تمقاع بن عمرو، در جنگ قادسیه رستم فرخزاد شکست خورد و تیسفون بدست اعراب افتاد و در سال ۶۴۲ در جنگ فتح الفتوح (۲۱ ه) یزدگرد مغلوب شد و در مرو بهلاکت رسید و سلسله ساسانی منقرض گردید. تاریخ فرهنگ ایران تألیف دکتر عیسی صدیق صفحه ۴۶.

گیلان و دماوند و قسمتی از نواحی ماوراءالنهر تا دوره خلافت بنی‌العباس استقلال سیاسی ملی خود را همچنان حراست کردند و فتح اعراب را تا واسط خلافت بنی‌امیه به تأخیر انداختند ولی کشمکشهای مذهبی و عصبیات نژادی و قومی بعنوان مختلف وجود داشت. آنچه لازم بتذکر است اینست که ایرانیان بزور شمشیر و قوه قهریه مسلمان نشدند بلکه چون آئین اسلام و قوانین و مقررات حقوقی و اجتماعی و سیاسی آنرا موافق با روحیات خود یافتند به رضا و رغبت دین حنیف اسلام را پذیرفتند.

چنانکه مورخین آورده‌اند پس از واقعه قادسیه (۱۴ هجری) قریب چهار هزار تن از مردم دیلم به کیش اسلام درآمدند، پذیرش این دین متعالی فقط در سایه تعالیم سهل و ساده اسلام که اساس آن بر پایه توحید، عبادت خالق، ترویج اخلاق حمیده و پسندیده مساوات و مواسات و مبارزه با تجاوزگری و طفیان‌گری و احترام به حقوق افراد جامعه و ملیتهای مختلف استوار بوده است انجام یافت و همین امر موجب گردید بزودی این آئین آسمانی با آوردن حقوق افراد جامعه در میان ایرانیان اعم از خواص و عوام با استقبال بی‌نظیر و بی‌بدیل رو برو شود.

بعثت پیغمبر اکرم (ص) بسال ۶۱۱ میلادی و ظهور و نشأت اسلام، وضع اجتماعی قوم عرب را یکباره دگرگون ساخت، اقوام بدوی و پراکنده را که دائم در نزاع و ستیز و تجاوز بحقوق یکدیگر بودند در زیر لوای واحدی مجتمع ساخت^۳، اعراب به سفارش رهبر خود و با توجه به مقررات و قوانین حقوقی و اجتماعی که در قرآن طی آیات عدیده‌ای اشارت رفته است دست از طفیان و برادرکشی برداشتند و برای ترویج دین مبین اسلام و تصرف بلاد و شهرها و تحصیل غنائم به کشورهای همجوار تاختند و تعالیم آسمانی که بر مبنای زندگی اجتماعی و حفظ و حراست حقوق اجتماعی شکل یافته بود آنرا در

۳- پیغمبر اسلام پس از بعثت ابتدا اهالی واقوام پراکنده و متشتت عربستان را بترك ادیان مختلف و توجه به وحدت کلمه و اتفاق و برادری و برابری خواند و قبل از همه باقبیله قریش که خود از آن خاندان بود و فرق در تعصبات نژادی و قبیله‌یی بودند مبارزه کرد ص ۸ تاریخ ادبیات در ایران تألیف ذبیح‌الله صفا و صفحات ۱۷-۱۸ تاریخ تمدن اسلام نوشته جرجی زیدان ترجمه علی جواهرکلام - جلد اول شهریور ۱۳۳۶ از انتشارات امیرکبیر.

کشورهای مفتوحه گسترش دادند و در سایه تعالیم اجتماعی و انسانی اسلام بود که بزرگان و اعیان این سرزمین یکی پس از دیگری آنرا با جان و دل پذیرفتند چنانکه سامان خدا^۴ یکی از بزرگان و شریفزادگان بلخ در قرن دوم هجری بمیل خود اسلام را اختیار کرد .

عده کثیری از دیلمیان در نیمه قرن سوم هجری در اثر تباہیات و کوشش و جدیت علویان به دین اسلام گرویدند . و در اوائل سده چهارم حسن بن علی الاطروشی بسیاری از مردمان طبرستان و دیلم را به کیش و آئین اسلام فراخواند و در نتیجه جمع بیشماری دعوت او را قبول کردند و حتی در سال ۳۹۴ هجری شاعر معروف ابوالحسن مہیار دیلمی به میل خود از کیش زرتشتی دست کشید و به اسلام گروید .

ظهور دین اسلام و انتشار آن در جهان ، حقوق جدید و امتیازات مهم را برای مردم جهان به ارمغان آورد که از چهارده قرن پیش تا کنون همچنان قسمتی از جهان متمدن و پیشرفته را اداره کرده و می کند و قوانین و حقوق اداری و انسانی آن هنوز هم در ردیف عالیترین حقوق دنیای عصر حاضر بشمار می رود . و حتی دستورات و فرامین و مناشیر آن در تکمیل قوانین حقوقی و اجتماعی بسیاری از کشورها و ملتها تأثیر بسزائی نهاده است . قانون گذار اسلام با توجه به مقتضیات مکان و زمان و با در نظر گرفتن مصالح و مفاسد اجتماع این حقوق را در خلال آیات بیشمار قرآن مجید و با توجه بوضع زندگی بدوی اعراب عصر جاهلیت و بازماندگان آنان و تجاوزات ناشی از نبودن دانش و بینش آنها آورد . و پس از رحلت پیغمبر اکرم کسانی در رشته های مختلف این حقوق به تحقیق و تفسیر و باز کردن راه اجتهاد و استنباط پرداختند از آن جمله بحث در حقوق اداری

۴- سامان خدا در عصر امویان در بلخ حکمرانی میکرد در زمان حکومت اسد بن عبدالله القسری حاکم بنی امیه در خراسان (سال ۱۱۶) بعلت اغتشاش و آشوبی که در ناحیه بلخ رخ داد به اسد پناهنده شد و اسد بن عبدالله القسری او را به امیری بلخ منصوب کرد سامان خدا در ابتدا آیین زرتشتی داشت و در قرن دوم هجری بدین حنیف اسلام مشرف گردید ، سامان از دودمان بهرام چوبینه سردار بزرگ عصر ساسانی میباشد ، تاریخ ادبیات در ایران جلد اول ص ۲۰۴ تألیف دکتر صیفا ، تاریخ فرهنگ ایران از دکتر عیسی صدیق ص ۱۱۰ ، تاریخ مفصل ایران تألیف دکتر عبدالله رازی صفحه ۱۶۶ .

اسلام است که در بدو نشأت اسلام و نزول قرآن کریم مورد توجه و دقت قرار گرفت و تا با امروز هم بسیاری از مقررات قضائی و حقوقی کشورها ملهم از آن قوانین است .
این قوانین و مقررات در واقع مجموعه ایست که خلفا و امامان طی دستورات و اوامر صادره به والیان و احکام و عمال ولایات می دادند که منجمله می توان فرمان حضرت امیر (ع) را به مالک اشتر و والی مصر در مورد رعایت حقوق افراد جامعه در رعایت قوانین اسلامی نام برد :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ : هَذَا مَا أَمْرِي بِهِ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْطَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ ، حِينَ وُلِّاهُ مِصْرَ : جَبَايَةَ خُرَاجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا ، وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا ...

(این فرمانی است از بنده خدا علی که امیر مؤمنان است و امر می کند مالک بن حارث اشتر را و عهدی است که چون مالک را والی مصر می نماید او را متعهد بدان می فرماید تا بقانون و دستور عهد فرمان خراج آن دیار بستاند ، با دشمن جهاد کند ، با صلاح حال مردم بپردازد و بلاد آن مملکت را آباد سازد ...)^۵ .
ثم اعلم يا مالك اني قد وجهتك الى بلاد قد جرت عليها دول قبلك من عدل ووجور و ان الناس ينظرون من امورك في مثل ما كنت تنظر فيه من امور الولاية قبلك و ...
«پس بدان ای مالک که من تو را به شهرهائی فرستادم که پیش از تو حکمرانان دادرس و ستمگر در آنها بوده و مردم بکارهای تو همان نظر می کنند که تو بکارهای حکمرانان پیش از خود می نگری و ...»^۶ .

و لیکن احب الامور اليك اوسطها في الحق و اعماها في العدل ، و اجمعها لرضي الرعية فان سخط العامة يجحف برضي الخاصة و ان سخط الخاصة يفتقر معرضي العامة ...
«کاری که باید بیش از هر کار دوست داشته باشی میانه روی در حق است و

۵- نهج البلاغه جلد دوم ص ۹۸۲ ترجمه و شرح بقلم حاج سیدعلی تقی فیض الاسلام سال ۱۳۲۶ شمسی - فرمان حضرت امیرالمؤمنین به چهارزبان فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی منتخب نهج البلاغه - کتابفروشی امید - تبریز اسفند ۱۳۳۴ - بقلم مرحوم محمد حسین فروغی - سرهنگ صادقیان - سید باقری -

۶- نهج البلاغه مجلد دوم صفحه ۹۸۵ .

همگانی کردن آن در برابری و دادگری که بیشتر سبب خشنودی رعیت می‌گردد (در هر کار آنرا اختیار کن که بصلاح حال همه باشد هر چند برای خواص گران آمده از آن راضی نباشد) زیرا خشم همگان رضا و خشنودی چند تن را پایمال می‌سازد و ...»^۷.

«ثم انظر فی امور عمالك فاستعملهم اختیاراً و لاتولهم محاباة و اثره فانهم اجماع من شعب الجور والخيانة و توخ منهم اهل التجربة والحياء من اهل البيوتات الصالحة»^۸

توصیه می‌کند پس در کارهای عمال و کارگردانان نظر و اندیشه کن (دقت کن) و چون آنرا تجربه و آزمایش نمودی بکار و ادار (تا دیانت و راستی و درستیشان را نیازموده‌ای به کار مگمار) و آنها را بمیل خود و کمک بایشان و سر خود (بی مشورت) بکاری نفرست، زیرا به میل و سر خود کسی را بکار گماشتن گرد آمده‌ایست از شاخه‌های ستم و نادرستی و سعی کن مأمورین اداریت اهل تجربه و حیا و از خانواده‌های صالح باشند».

و در جای دیگر این عهدنامه خطاب به مالک اشتر می‌فرماید:

ثم ان للوالی خاصة و بطانة فيهم استئثار و تطاول و قلّة انصاف فی معامله .

«سپس بدان حکمرانان را نزدیکان و خویشانی است که بخودسری و گردنکشی و درازدستی (بمال مردم) و کمی انصاف خو گرفته‌اند (و رعیت را بسختی و گرفتاری دچار می‌نمایند) ریشه و اساس ایشان را با جدا کردن و دور ساختن موجبات آن از بین ببر ...»^۹.

با ذکر بخشهائی از این عهدنامه و فرمان بزرگ معلوم می‌شود انتخاب مأمورین اداری و رؤسای دوایر دولتی نیز تحت شرایط خاصی بوده‌است^{۱۰}

حقوق اداری را در دو دوره متمایز می‌توان نام برد. یکی دوره خلفای راشدین

۷- نهج البلاغه مجلد دوم صفحه ۹۸۷-۹۸۸ .

۸- نهج البلاغه مجلد دوم صفحه ۱۰۰۲-۱۰۰۳ .

۹- نهج البلاغه ص ۱۰۱۶ و ۱۰۱۷ .

۱۰- تاریخ تمدن ایران تألیف جرجی زیدان مراجعه شود ترجمه علی جواهرکلام - تهران- انتشارات

یا عصر طلایی اسلام و دیگر دوران بنی‌العباس که حقوق‌اداری اسلام تحت تأثیر شدید حقوق‌اداری ایران واقع شده است. ناگفته نماند در همان زمانیکه طرح و شالوده یک قانون بزرگ و همه‌جائی در مرکز شبه‌جزیره عربستان ریخته می‌شد در همجواری آنان دو امپراطور بزرگ ایران و روم از حقوق‌اداری وسیع و قابل توجهی برخوردار بوده‌اند که شاید پاره‌یی از حقوق‌اداری اسلام در زمان بنی‌العباس و جانشینان آنان متأثر از حقوق‌اداری ایرانی باشد.

تازمانیکه پیغمبر اکرم در قید حیات بود (سال یازده هجرت) خود مظهر قوای سه‌گانه مملکت بشمار میرفت و در تمام موارد اعم از مقننه، مجریه و قضائیه از وی دستور و راهنمایی می‌گرفتند، اساس کار دولت اسلامی در سال اول هجری بر پایه همکاری، برابری و برادری و مساوات بود. در بدو ظهور اسلام دوسازمان بزرگ در حقوق‌اداری آن مشاهده می‌شود:

اول: سازمان وسیع لشکری یا ارتش که در سایه اتفاق و اتحاد و نماز جماعت مسلمانان ترتیب یافته بود، و مسلمین هر یک بشخصه برای انتشار و توسعه دین و آئین جدید خود وظیفه و هدف مشترکی را دنبال می‌کردند و در طریق تحقق هدف خود از هیچ‌گونه مساعی و کوشش و همکاری جمعی خودداری نمی‌کردند^{۱۱}.

دوم: سازمان مالی یا زکوة بود (بیت‌المال) که پایه و شالوده بیت‌المال را تشکیل میداد و شبیه به نوعی مالیات و دریافت حقوق قانونی دولتی بود که بهنگام ضرورت در بهبود وضع اجتماع و کمک به انسانهای محروم و فقیر بکار میرفت که این سازمان نیز اساس و پایه‌اش مستند از آیات کریمه قرآن بوده است^{۱۲}.

باتشکیل این دوسازمان، پایه دولت اسلامی مستحکم گردید ولی رویهم‌رفته بعلت

۱۱- برای اطلاع کامل از ارتش و وضع نظامی دوره اسلامی مراجعه شود به تاریخ تمدن اسلام-

جرجی زیدان ترجمه آقای علی جواهرکلام جلد اول از ص ۱۵۹ به بعد.

۱۲- آیه ۴۲ سوره البقره - آیه ۴ سوره البینه - آیه ۶ سوره السجده - آیه ۷۲ سوره الانبیاء -

آیه ۵۴ سوره المائده - آیه ۱۱ سوره المائده - آیه ۷۶ سوره النساء و آیات فراوان دیگر و همچنین رجوع کنید

به صفحه ۲۱۲ تاریخ تمدن اسلامی جرجی زیدان جلد اول ترجمه علی جواهرکلام.

چون بودن اسلام هنوز سازمانهای اداری مقررات و دستورالعملی که بتواند مردم را به پرداخت زکوة و اقدام در کارهای خیر و عام المنفعه تشویق و تحریض نماید بوجدنیامده بود فقط در مواقع ضروری دوره می‌نشستند و تصمیم می‌گرفتند حرکت می‌کردند و عمل مینمودند .

یکی از نمایندگان و سفرای دربار ساسانی که مأمور شده بود تا بمدینه برود میگوید وارد مسجد شدیم ، سراغ دربار باشکوه اسلامی را گرفتیم ، مارا بمسجیدی هدایت کردند ، وارد مسجد شدیم ، چندتن عرب روی حصیرهای مسجد حلقه وار نشسته بودند و جلسه‌یی تشکیل داده بودند اینها بمصداق «و شاورهم فی الامر»^{۱۳} برای رسیدگی به امری مهم گردهم آمده بودند مجلس آنان تا اخذ تصمیم بیش از چند دقیقه طول نکشید^{۱۴} .

در ایندوره حکومت اسلامی بر پایه اصل آزادی و دموکراسی محض بنا شده و تمام مسلمانان از هر نژاد و ملت ، سیاه و سفید ، بزرگ و کوچک ، زن و مرد ، غنی و فقیر همه در برابر احکام دین و قوانین مذهبی یکسان و برابر بودند^{۱۵} ، ولی این سادگی طرز اداره کردن متأسفانه دوام و بقای زیادی نیافت - از آن زمان به بعد یعنی پس از خلفای راشدین تا اواخر دوره بنی‌العباس صورت تجملی و اشرافیت بخود گرفت و جنبه ایرانی پیدا کرد. روح سادگی از بین آنها رخت بر بست ، علثش این بود که در دولت بنی‌عباس چون بسیاری از وزراء از نژاد خالص ایرانی بودند خواستند عظمت و شکوه عهد ساسانی را بار دیگر تجدید نمایند^{۱۶} .

این موضوع را شادروان دکتر طه حسین (۱۸۸۹-۱۹۷۳) بعنوان : تأثیر بد ایرانیان در اعراب تلقی میکند میگوید :

۱۳ همچنین مراجعه شود به نهج البلاغه - صفحه ۱۵۵ احکمت ۱۵۲ - مجلد دوم .

۱۴- نهج البلاغه - صفحه ۲۸۳ احکمت ۴۳۸ - مجلد دوم - در ستودن اداء حقوق مردم و همچنین

صفحه ۸۷۶ حکمت - آیه ۸۹ سورة النحل .

۱۵- سورة الحجرات ، آیه ۱۳ .

۱۶- تاریخ مفصل ایران ، دکتر عبدالله رازی (امویان و عباسیان) .

«ایرانیان روح ساده آنان را مقید به تشریفات و تجملات نمودند» ولی باید اذعان داشت که آن روح سادگی و بی پیرایگی از اعراب بدوی و وحشی نبود بلکه دین مبین اسلام بود که با تشریفات و تجملات و اعیان منیشی و تجمل پرستی مخالف بود، اعراب نه تنها بوئی از مدنیّت و تمدن نبرده بودند بلکه عناصری تجاوزگر و ویرانگر و طفیان پیشه بشمار میرفتند و عملاً حملات و یورشهای آنان این موضوع را به ثبوت میرسائید.

اعراب هر چه دارند از عنایات خاصه اسلام است و علت اینکه حقوق اداری ایران در دولت اسلامی وارد شد این بود که پس از اینکه ایرانیان دین شریف و حنیف اسلام را به تدریج پذیرفتند اسلام آنچه را که با احکام دین سازش داشت نگهداشت و آنچه را که ناسازگار بود منسوخ و مطرود نمود کما اینکه عید نوروز باستانی ایرانیان را بجای خود باقی گذارد.^{۱۷}

و برای اداره امپراتوری وسیع اسلام از حقوق اداری آنها بهره ور گردید ولی برای مثال کافی است دفاتر مالیاتی و سازمان مالی اسلام را که در زمان عمر به سبک ایرانی و بوسیله بسیاری از ایرانیان تنظیم شده و اداره میکردند نام برد.

در این دوره حکومت در مرتبه دوم دین قرارداد داشت و آنرا فقط برای اجرای اصول و مبانی دین بکار می بردند، خلیفه مسلمان هم حکومت را در دست داشت هم پیشوای دینی بشمار میرفت و در واقع حکومت با مذهب توأم بود.

فرمانداران و حکام و والیانی که از طرف خلیفه برای اداره امور ولایات بممالک اطراف و مختلف اسلامی میرفتند اغلب هر دو عنوان و مسؤولیت را بعهده داشتند،

۱۷- جرجی زیدان مؤلف تاریخ تمدن اسلام در مورد تأثیر فرهنگ و سننهای اصلی ایرانیان در اعراب می نویسد: معاویه برای تکمیل و تکثیر عایدات خویش در نوروز و مهرگان هدایائی برعهده مردم گذاشت که در سال بده میلیون درهم میرسید (ص ۲۰۳ به بعد جلد پنجم تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام) و مؤلف بلوغ العرب می نویسد کسی که برای نخستین بار نوروز و مهرگان را در اسلام مانند عهد شکوهمند ساسانی معمول ساخت و آنرا مطابق با روحیات اجتماعی قوم عرب دانست، حجاج بن یوسف ثقفی نماینده هبده الملک خلیفه اموی در کوفه بوده است.

چون قوانین اسلام جنبه دینی داشت و ناشی از برگزیدگان ملت نبود، اطاعت آن بر همه فرض بود و اجرای آن امری لازم و ضروری بشمار میرفت و نمی توانستند قبول کنند که این قوانین ممکنست در زمان و مکانی در قلمرو اسلامی قابل اجرا نباشد زیرا قانون گذار خداوند است و خود او می فرماید:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ^{۱۸}.

اولین منصب و مقام در حکومت اسلامی دوران خلفا مقام و درجه خلافت بود که خلیفه میبایستی دستورات و احکام قرآن و سنت را رعایت نماید، شرایط موجود در امر خلافت رعایت عدل و عدالت، لیاقت و شایستگی، سلامت جسمی و روحی بود، با وجود این اختیارات خلیفه تقریباً نامحدود بود^{۱۹} خلیفه حق عزل و نصب و ایسان و قضاة و استانداران و امرای آرتش را داشت و همه عمال و فرمانداران و لایه زیر نظر مستقیم او بودند و در اقدام کارها و جزئیات امور از وی فرمان میگرفتند.

بعد از خلیفه بالاترین و بااهمیت ترین مناصب و مقامات اداری در حکومت اسلامی مقام وزارت بود اگر چه تا زمان عباسیان عربها ازین مقام چیزی استنباط نمی کردند ولی در عصر خلفای راشدین منصب صدارت عملاً وجود داشت همچنانکه عدهئی عمر را وزیر ابوبکر و علی علیه السلام را طرف شور عمر میدانستند.

بعد از خلفای راشدین و دوره بنی امیه این مقام اهمیت بیشتری پیدا کرده^{۲۰} و بطوریکه مورخین و بسیاری از نویسندگان آورده اند این مقام غالباً در دست باکفایت و درایت ایرانیها بود.

در زمان عباسیان بطور کلی دونوع وزارت معمول بود: یکی وزارت تفویضی و دیگری تنفیذی، وزیر تفویضی همیشه، همه کارها را با صلاح دید و نظر و اندیشه خود حل و

۱۸- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به تاریخ تمدن اسلام تألیف جرجی زیدان - صفحه ۱۴۱ و ۱۸۵

تحت عنوان استانداری یا ولایات، ترجمه علی جواهر کلام - چاپ امیرکبیر.

۱۹- صفحات ۱۱۸-۱۴۰ جلد اول تاریخ تمدن اسلامی جرجی زیدان - تاریخ ادبیات در ایران جلد

اول تألیف دکتر ذبیح الله صفا.

۲۰- رجوع شود به تاریخ تمدن اسلامی جرجی زیدان - جلد اول صفحه ۱۵۰.

فصل میکرد و جز درسه مورد^{۲۱} در تمام کارها تام‌الاختیار بود.

برای اینکه از کیفیت و چگونگی تفویضی وزارت اطلاع حاصل کنیم حکایتی را که جرجی زیدان، محقق فاضل و دانشمند و مؤلف تاریخ تمدن اسلام و این نویسنده لبنانی الاصل آورده در اینجا بطور مختصر نقل میشود:

«شبی جعفر برمکی بزمی داشت و سرگرم عیش و خوشگذرانی بود، در اواخر شب جعفر مست در باده ناب بود که ناگاه عبدالملک بن صالح پسر عموی هارون بر وی وارد شد جعفر در این حال باو گفت: اگر حاجتی داری از ما بخواه تا انواع نعمت‌ها که بدست ما افتاده تو را بهره‌مند سازیم، عبدالملک گفت: خلیفه از من رنجیده، میل دارم آن کدورت و رنجش برطرف شود جعفر گفت: خلیفه از تو راضی شد دیگر چه میخواهی؟ عبدالملک گفت: ده هزار دینار وام دارم، جعفر جواب داد: که خودم ده هزار دینار وام تو را دادم و ده هزار دینار هم خلیفه بتو داد دیگر چه میخواهی؟ عبدالملک پس از تقاضاهای فراوان باینجا رسید و گفت: چه خوب بود که باین نعمتها استانداری (ولایت) مصر هم افزوده بشود این خواسته وی نیز انجام یافت و خلیفه پس از شنیدن این موضوع وعده‌های جعفر را تنفیذ و اجرا کرد و رفتار او را ستود و حکومت مصر را به عبدالملک بن صالح داد^{۲۲}.

ولی وزیر تنفیذی چنانکه از خود واژه پیداست اجراکننده دستورات خلیفه بوده است و فی الحقیقه میان مردم و خلیفه رابط بوده است و تقاضا و تمنییات مردمان را با اطلاع خلیفه میرسانید^{۲۳}.

بطور کلی شرطه یا (شهریانی) مأمور اجرای قوانین و کلیه احکام صادره بود و

۲۱- رجوع شود به صفحات ۱۵۲-۱۵۳ تاریخ تمدن اسلامی جرجی زیدان ترجمه علی جواهرکلام -

جلد اول . نجنقشا

۲۲- برای اطلاع از وزارت تفویضی و تنفیذی و کیفیت و چگونگی هر یک از آنها مراجعه شود: به

صفحات ۱۵۲-۱۵۴ جلد اول تاریخ تمدن اسلامی - جرجی زیدان ترجمه علی جواهرکلام .

۲۳- صفحه ۱۵۴ از کتاب تاریخ تمدن اسلام تألیف جرجی زیدان ترجمه علی جواهرکلام .

بیشتر احکام شرعی از قبیل چوب‌زدن (شلاق زدن) برای زنا و میگساری و ربا و امثال آن بوسیله مأمور اداری شرطه انجام میشد دیگر از ادارات مرکزی آن عصر اداره برید و مراسلات (دیوان انشاء) بود که در عهد ساسانیان در ایران این مقام در مواقع معینی به فرزندان پادشاه واگذار میشد^{۲۴}.

استانداران و حکام تا قبل از خلافت عمر از طرف خلیفه انتخاب میشدند ایالت فتح شده بآنان واگذار میشد، وظایف و اختیارات احکام و استانداران آنطوریکه در کتاب «احکام السلطانیه» آورده شده است پنج چیز بود:

امور لشکری (آرتش)، تعیین قضاة و دادرسان، وصول و ایصال خراج و مالیاتهای دولتی، حفظ شعائر دینی و مذهبی و بالاخره برقراری امنیت و رفاه عمومی.

باتوجه به هر یک از بخشهای نامبرده و تطبیق مقررات و ضوابط آنها با وضع حکومتهای اسلامی و غیراسلامی اهمیت حقوق اداری صدر اسلام و صورت پیشرفته و متعالی آن در قرون و اعصار بعد بیش از پیش نمایان میشود.

مآخذ و منابع مورد استفاده

- ۱- تاریخ تمدن اسلام ، جرجی زیدان ، ترجمه علی جوهر کلام ، در پنج مجلد ، مؤسسه مطبوعاتی امیر کبیر .
- ۲- تاریخ مفصل ایران ، دکتر عبدالله رازی ، چاپ دوم ، انتشارات اقبال ۱۳۳۵
- ۳- تاریخ ادبیات ایران ، جلد اول ، دکتر ذبیح الله صفا ، تهران ۱۳۴۷ ، چاپ ششم ، انتشارات ابن سینا .
- ۴- نهج البلاغه در دو مجلد ، شرح و تفسیر حاج سید علی نقی فیض الاسلام .
- ۵- دستور حکومت ، فرمان حضرت علی (ع) به مالک اشتر ، به چهار زبان عربی ، فارسی ، فرانسه و انگلیسی ، چاپ اول ، تبریز اسفندماه ۱۳۳۴ ، شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان (تبریز) .
- ۶- تاریخ فرهنگ ایران ، دکتر عیسی صدیق ، تهران ، چاپ دوم ، ۱۳۳۸ تهران از انتشارات دانشگاه تهران شماره ۵۶۷ .
- ۷- قرآن مجید ، زین العابدین راهنما .
- ۸- مجله ایرانشهر ، جلد اول و دوم . و مآخذ دیگر .